[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

شکل‌گیری، تقویت و مانایی خاطره در فضاهای شهری
نمونه موردی محور شهید چمران شیراز

علی سلطانی*/ ابراهیم زرگری مرندی/ احمدعلی نامداریان*****

تاریخ دریافت مقاله: 1391/04/21
تاریخ پذیرش مقاله: 1391/08/21

چکیده

زندگی هر روزه شهروندان، گستره‌ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی و فعالیت‌ها در قالبی از فضاهای ساخته شده است. آشناپنداری شهروند با محل سکونتش در فرایندی از تجربه و آموزش ایجاد شده و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت‌های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت‌ها و فضاها است. هدف این مقاله پرداختن به بررسی رابطه بین انباشت خاطره و فرهنگ بر کیفیت ادراک، تصویر ذهنی و سرزندگی شهروندان است تا از این گذر، بتوان مدیران، برنامه‌ریزان، طراحان و سیاست گذاران شهری را در جهت بهبود ارتباط شهروندان با محیط سکونتی آن‌ها و نیز افزایش سرزندگی محیط‌های شهری از طریق مشارکت دادن کاربران فضا در جهت تدوین چشم اندازهای توسعه‌های آتی یاری نمود. در این تحقیق، محور شهید چمران در شهر شیراز به‌عنوان محدوده مطالعاتی برگزیده شده و نظرات کاربران در خصوص عوامل محیطی مؤثر بر خاطره‌انگیزی در قالب پرسشنامه جمع آوری و تحلیل گردیده است. انتخاب محور چمران به دلیل اهمیت آن در حفظ و تقویت بخشی از هویت و حیات شهری کنونی و آینده کلانشهر شیراز پویایی، فعالیت پذیری، تنوع کارکردها و قابلیت شرایط بهبود محدوده در آینده در جهت افزایش سرزندگی شهری بوده است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی بوده و همین امر، اهمیت برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فعالیت های تفریحی و اجتماعی را دوچندان می‌کند. در واقع برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری گردد.

واژگان کلیدی: فضای شهری، خاطرات جمعی، سیمای محیط، سرزندگی، شیراز.

* استادیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه شیراز. soltani@shirazu.ac.ir
** پژوهشگر دوره دکترای شهرسازی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
*** کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه هنر اصفهان.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

مقدمه

محیط، اعم از شرایط کالبدی، معنایی و معنوی عامل مهمی در احراز هویتی خاص برای انسان است. محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش های فرهنگی جامعه است، می‌تواند در احساس هویت یا بی هویتی تأثیرگذار باشد. (حبیب و دیگران، 1387: 14) محیط شهری برای ساکن آن نقش ظرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خاطره‌های شهرنشینان و عامل زمان موجب ایجاد خوانش‌های متفاوت و پژوهش‌های گسترده در زمینه ارتباط مداخلات و توسعه‌های جدید در متن شهر و تعامل نسل‌های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است. این همنشینی گفته ویلیام فالکنر را به یاد می‌آورد که "گذشته هیچ‌گاه نمرده است، در حقیقت حتی سپری نشده است." به دلیل همین ارتباطات است که گرایش‌ها به سمت برنامه‌ریزی در جهت افزایش سرزندگی محیط‌های شهری با نظر به هویت و میراث خاطرات شهروندان و توجه به ایجاد تداوم تجربیات شهری با رویکردی مشارکتی است.

پیوستگی و تداوم حیات شهری همواره در اندرکنشی با سرزندگی حیات هر روزه پدید می‌آید. چنانکه هانری لفور در کتاب تولید فضا (Lefebvre,1991) غنا و پویایی محیط‌های شهری را وابسته به تجمع هویت و معنا در قالب زندگی هرروزه می‌داند و می‌توان گفت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در بستر محیط شهری ناشی از تلفیق کیفیات گوناگون است (Sternberg, 2000) لاجرم به کلیه ابعاد حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام شهری مرتبط می‌شود. (گلکار، ۱۳۸٦،۷٤)

در این راستا سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که انباشت خاطره و فرهنگ چگونه بر ارتباط شهر و شهروندان و کیفیت زندگی آنان اثر می‌گذارد و دوم اینکه مدیران، برنامه‌ریزان، طراحان و سیاست گذاران شهری برای بهبود ارتباط شهروندان و محیط سکونت آن‌ها و افزایش سرزندگی محیط‌های شهری بایستی چه ابعادی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و چگونه از مشارکت کاربران فضا در جهت تدوین چشم اندازهای توسعه‌های آتی و حفظ ارزش‌های موجود بهره مند شوند؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش توصیفی- تحلیلی برای نیل به اهداف و پاسخ به سؤالات تحقیق بهره‌برداری شده است. در ابتدا با مطالعه متون مرتبط با هدف پژوهش، ابعاد و معیارهای لازم برای بررسی تأثیرات متقابل کیفیت سرزندگی و ارتباط کاربران با محیط‌های شهری استخراج شده و خاطره‌پذیری، سرزندگی و کیفیت محیط در یک مدل مکانی با سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا مورد سنجش قرار گرفته‌اند. دراین راستا از دو روش مشاهده مستقیم جهت شناخت عناصر و ابعاد مختلف محیط و تنظیم معیارها و مشاهده غیرمستقیم (پرسشنامه) و تحلیل پاسخ‌های کاربران برای تعیین عوامل مؤثر بر سرزندگی، کیفیت و مطلوبیت محور گردشگری- فراغتی چمران شهر شیراز با تأکید بر نقش هویت و خاطره استفاده شده است.

انگاره‌های نظری

تداوم گذشته در شهر امروز

زندگی هر روزه (Everyday-Life) ساکنان شهر گستره‌ای از ارتباطات و تعاملات اجتماعی و فعالیت‌ها در قالبی از فضاهای ساخته شده است. آشناپنداری شهرنشین با محل سکونتش در فرایندی از تجربه و آموزش ایجاد شده و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت‌های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

حاصل از فعالیت‌ها و فضاها است. این فرایند آشناپنداری در شهرنشین به دلیل ارتباط او با سکونتش در قالب خاطره‌سازی و ایجاد نوعی هویت براساس خوانش او از ریشه دار بودن اقامت در سکونتگاه و نوعی در آن جا بودن مداوم است. خوانشی که شهر خاطره را همچون تصویری دنباله دار و چون متنی که در طول زمان و در طی توسعه‌های متمادی همچنان در حال نوشته شدن است، در ذهن می آورد.

ویکتور هوگو در "نتردام پاریس" شهر را کتابی سنگی می‌خواند. والتر بنیامین (Benjamin,1999) شهر را کتابی حماسی می‌داند که حاصل به خاطرسپاری‌های انسان پرسه زن (Flaneur) در شهر است. با این خوانش است که شهر را چون لایه‌های متعدد دیرینه شناسانه در مقابل دیدگان شهرنشین قرار می‌دهد. منظری هزارتو که اثراتی از حیات، فرهنگ، سنت‌ها و وقایع پیشین در آن حفظ شده است.

مامفورد (Mumford,1981) بر ارتباط میان زمان و فضای شهری تأکید می‌کند. شهرهایی که محصول زمان بوده و چون قالب‌هایی هستند که حیات متمادی انسان در آن‌ها منجمد می‌شود. در این میان نه تنها یادبودها و ساختمان‌ها، بلکه قطعات رفتارهای اجتماعی، سنت‌ها و رسومات و فعالیت‌های شاخص نیز می‌توانند در محیط شهری باقی مانده و مشاهده شوند. آلدو روسی (Rossi,1984) نیز شهر را یک بایگانی از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌های مختلف در آن ثبت می‌شوند.

بخشی از متون مرتبط با بحث خوانش شهر- خاطره پس از بحث ژاک دریدا در زمینه پارادوکس دوگانه‌های حضور- غیاب و گذشته- حال با ابداع نو- واژه "هانتولوژی" (Hauntology) در مقابل "هستی شناسی" (Ontology) به حضور شبح وار گذشته و حیات آن در حال می‌پردازد. (Derrida,1994: 10)این جهت‌گیری به تفسیر تاریخ با شکستن دوگانگی‌های مذکور موجب توجه مجدد به استعاره "پالیمسست رومی" فروید (Freud,1989) شد. لغت یونانی "پالیمسست" متشکل از دو بخش "پالیم" (Palim) به معنای مجدد و "سستوس" (Psestos) به معنای ساییدن و پاک کردن است و به معنای ساییدن و پاک کردن متن موجود روی پاپیروس و نوشتن متن جدید روی آن است، در حین این که اثر نوشته‌های پیشین در آن نمایان باشد. فروید این استعاره را در اشاره به شباهت میان ساخت لایه‌ای شهر و روان بشر به کار برد و مقصود او از این واژه ادامه حیات تمامی مراحل اولیه توسعه در کنار آخرین آن‌ها است. بیان کنندگی این استعاره در زمینه طرح حیات گذشته و حال در کنار هم و رازگونگی تصور متن گذشته شهر از روی آثار به یادگار مانده و نه مشاهده کامل آن موجب استفاده از واژه پالیمسست در ادبیات مرتبط با حیات خاطره و فرهنگ در شهر و نوع خوانش آن شد. ویژگی چند لایه‌ای توسعه شهر در قرون متمادی و حذف‌ها و اضافات که به کاوشگر اجازه خوانش شهر را به‌عنوان ترکیبی از قصه‌های بی‌شمار می‌دهد. مانایی گذشته در ریخت امروزی شهر می‌تواند خود را به‌صورت تباین شدید و آشوبی گیج کننده نمایان کند که در عین حال به‌صورت اجزای یک تصویر هماهنگ و واجد هارمونی با کل ظاهر می‌شود. (Busa,2010: 159)

سیاست‌های شهری در زمینه هویت و خاطرات شهری

مسئله جهت دهی به خاطرات جمعی (Collective Memory) از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری در راستای سیاست‌های ایجاد هویت جمعی در بسیاری از متون مرتبط با ارتباط خاطره، فرهنگ، هویت و زندگی هر روزه به نقد کشیده شده است. مسائل حساس در این حوزه عبارتند از امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

خاطرات جمعی در شهر (میرمقتدایی، 1388)، دستکاری و سیاست‌های گزینش خاطرات جمعی (Huyssen, 1997, Ladd, 1997&2003)، جهانی شدن و محو یکتایی خاطرات شهرها (Assmannand Conrad, 2010) و تعیین هویت تاریخی و فرایند ایجاد هویت ایده آل (Crinson,2005) که نه به‌طور جداگانه، بلکه با ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر از طرف پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، سیاست، برنامه‌ریزی، معماری، تاریخ، فلسفه و فرهنگ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند.

می‌توان اذعان داشت که روش دیالوگ شهر و خاطرات بر تمامی ابعاد زمانی شهر پرتو می‌افکند. تفسیر شهر و شهرنشینان از گذشته ناگزیر بر چشم انداز آینده شهر تأثیر می‌گذارد. چرا که خاطره در شهر یک رونوشت از پیشامدهای گذشته نبوده و در یک استعاره پالیمسستی ساز و کار تفسیر، خوانش و انتخاب است. (Busa,2010:159) بررسی تعامل شهر در ارتباط با گذشته‌اش برای ساخت هویت شهری ضروری است و می‌توان گفت خاطره، حاصل دستکاری گذشته از طریق فرایند انتخاب است. (Huyssen, 1997: 58)

در سیاست‌های شهری، راهبردهای هویت سازی و دستکاری حافظه جمعی از جمله ایجاد مکان، منظره سازی، بازاریابی شهر و اقدامات فستیوالی از طریق فرایند سیاست‌گذاری و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پررنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تأکید فیزیکی و فعالیتی و برندسازی نشانه‌های آن و حذف ترومایی وقایع و پیشامدهای ناگوار با پاکسازی یا تغییرات عمده کالبدی نشانه‌های بارز که خوانش واقعه را ممکن می‌سازند، صورت می‌پذیرد (نمودار 1).

ن 1. فرایند تدوین سیاست‌های خاطره شهری (نگارندگان).

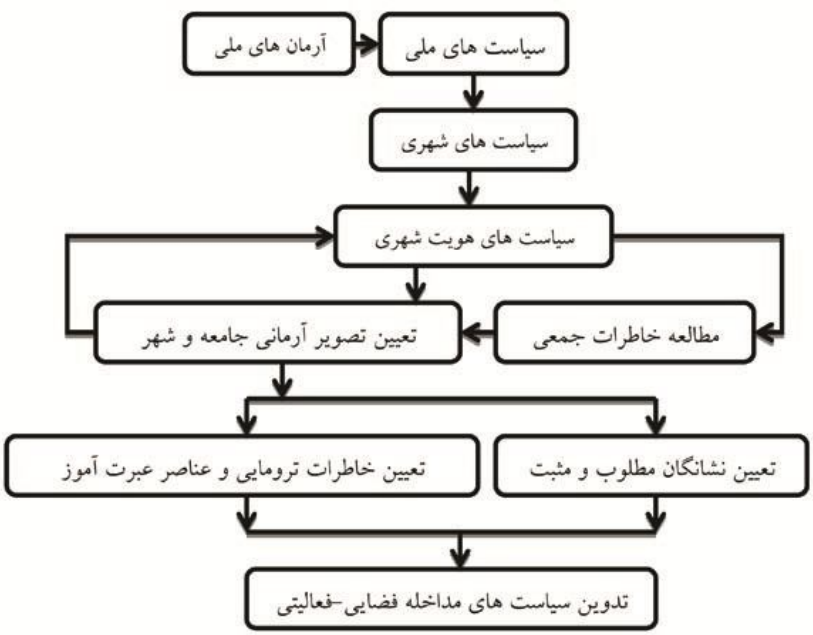

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

ایجاد تئاترهای خاطره با شاخص سازی بخش‌های به خصوص و حذف یا نهان کردن بخش‌های نامطلوب به لحاظ اهداف سیاستگذاران با وجود این که تاریخی تحریف شده و سؤال برانگیز ایجاد می‌کند که با حذف میزان زیادی از حافظه شهری همراه است اما همین امر می‌تواند باعث پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردشگران بشود. هم اکنون وسواسی جهانی در زمینه تجلیل از خاطرات شهری همسو با ایده‌آل‌های حال حاضر جوامع و یادبودگرایی و در عین حال تحریف خاطرات شوک آور وجود دارد (Huyssen, 2003). این شکل از رهیافت‌های منتهی به حذف یا ابداع مجدد فضا، کالبد و فعالیت سابقه‌ای طولانی تر از مطالعات مطرح شده دارند. به‌عنوان مثال تلاش ناموفق پروژه "شهستان پهلوی" در دهه 1350-1340 برای تغییر نقش اقتصاد بافت سنتی بازار به منطقه‌ای برای گردشگران و پرتاب آن از زمان حال به گذشته‌ای دور و ایجاد یک مرکز جدید معتبر شهری در اراضی عباس آباد که می‌بایست با تصویری که محمدرضا پهلوی از پایتخت قرن بیست و یکم برای خود ساخته بود مطابقت داشته باشد. همین باعث دخالت ناگهانی او در سیاست‌های شهری شد. (اورکاد ، 1375: 236) و یا در کتاب "خاطره شهری" (Crinson, 2005) اشاره به شهرهایی می‌شود که پیش از این سایت‌های صنعتی پیشتاز و مراکز فرهنگ مدرن بوده‌اند و هم اکنون در طی روند صنعتی زدایی به دنبال ابداع مجدد هویت و ایجاد نوستالژی دوره رونق صنعتی خود در قالب تئاترهای خاطره هستند. نمونه‌های مهم دیگر در زمینه این مداخلات مسئله حذف و تغییر تصویر و خاطرات نامطلوب ناشی از یک واقعه ناگوار همچون مورد نیویورک (Huyssen, 2003) و یا تغییرات ایجاد شده در نشانه‌های مرتبط با دوران جدایی آلمان شرقی و غربی در شهر برلین و تلاش در جهت ایجاد هویت شهری جدید در جامعه پس از اتحاد مجدد آلمان است. (Huyssen,1997)

تبیین مؤلفه‌های ارتقای سرزندگی محیط‌های شهری با تأکید بر هویت، فرهنگ و خاطره شهری

همانطور که پیشتر ذکر شد، سرزندگی محیط شهری کیفیتی است که نشان از پویایی و جنب و جوش حیات هر روزه شهروندان در ارتباط با بستر سکونتشان است و این ارتباط دائمی در قالب انباشت تجربیات شهری جزئی از فرایند تشکیل مکان و ایجاد حس تعلق به محیط‌های شهری است. (Sime, 1995) می‌توان اظهار داشت که سرزندگی پدیداری اجتماعی- فضایی است که در تعامل شهر و شهروند شکل می‌گیرد. این کیفیت محصولی نیست که بتوان آن را با اقدامی دفعی و یکباره تولید کرد، بلکه سرزندگی را باید فرایندی از آفرینش مستمر محسوب کنیم که برای هدایت و کنترل آن نیازمند تدابیری از سنخ برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی هستیم. (گلکار، 1386، 73)

کوین لینچ سرزندگی را درجه مطلوبیت و حمایت سکونتگاه از عملکردهای حیاتی، لوازم زیستی و ظرفیت و گنجایش زندگی انسانی تعریف نموده و پنج مؤلفه ثبات، هم آوایی، ایمنی، سود و حمایت و نگهداری را به‌عنوان ارکان سرزندگی ذکر می‌کند. (Lynch,1984: 118-124) رویکرد لینچ در زمینه سرزندگی عمدتاً موضوع زیست پذیری فضا با تأمین امکانات حیاتی را مدنظر قرار می‌دهد. اما در رویکردهای نوین آفرینش کیفیت سرزندگی در شهر، نقش مشارکت شهروندان نقشی جوهری است و تعمیق تجربه حسی شهروندان از محیط‌های شهری و امکان مداخله و مشخص کردن فضاها، که از آن به ایجاد «رنگ تعلق» نام برده می‌شود از گام‌های اساسی در این مورد است. (گلکار، 1386، 74)

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

برای ارتقای این ارتباط، قدم اول تلفیق مطالعات و پژوهش‌های حوزه فرهنگ هویت و خاطره شهری با فرایندهای برنامه‌ریزی است. (Hurley, 2010: 196) در این راستا برای ایجاد چارچوبی مشارکتی، ابتدا بایستی مؤلفه‌های اصلی مؤثر در سرزندگی محیط شهری با رویکرد هویت وخاطره و معیارهای آن‌ها تبیین شود.

در مرحله دوم، این ابعاد در محیط شهری هدف با توجه به مؤلفه‌ها و معیارهای استخراج شده، مورد مطالعه قرار گرفته و در گام بعدی روشن شدن دقیق ارتباط شهروندان و محیط از طریق پرسشنامه و ابزارهای تحلیل پاسخ‌ها، خط راهنمای اقدامات آینده در جهت افزایش سرزندگی هویت و خاطره مبنا برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری نتیجه مطالعه خواهد بود.

یکی از تأثیرگذارترین پژوهش‌ها در راستای تعیین مؤلفه‌های ارتباط شهروندان و محیط شهری، کتاب «روانشناسی مکان» «کانتر» (Canter,1977) است. کانتر با ارائه مدل مکان، سه مؤلفه مشخصات کالبد، فعالیت و معنا (مفهوم) را ابعاد اصلی هرگونه پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت رابطه مردم و محیط شهری با رویکرد هویت وخاطره جمعی در طرح‌های توسعه معرفی می‌کند. وضعیت کالبدی به‌عنوان ظرف زندگی هر روزه با فعالیت به‌عنوان هرآنچه در این ظرف کالبدی تجربه می‌شود و معنا به‌عنوان علت واقع شدن این فعالیت‌ها معرفی می‌شود که تغییر هر یک از این‌ها بر دیگر ابعاد مؤثر است و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند. (Ibid: 155-160)

در اینجا با استفاده از پژوهش‌های مونتگمری (Montgomery, 1998&2003)، سایم (Sime, 1995)، استرنبرگ (Sternberg,2000)، بالساس (Balsas, 2009)، گل (Gehl,1987)، اودانل (O'donnell, 2008)، سلطانی و نامداریان (1389)، خستو و سعیدی رضوانی (1389) و لطفی (1390) که به تبیین معیارهای هر سه یا برخی از این حوزه‌های اصلی پرداخته‌اند به تبیین معیارها و زیرمعیارها پرداخته شده است (نمودار 2).

ن 2. مدل استخراجی برای مطالعه حوزه‌های شکل‌گیری و حفظ هویت، خاطره و فرهنگ (نگارندگان)

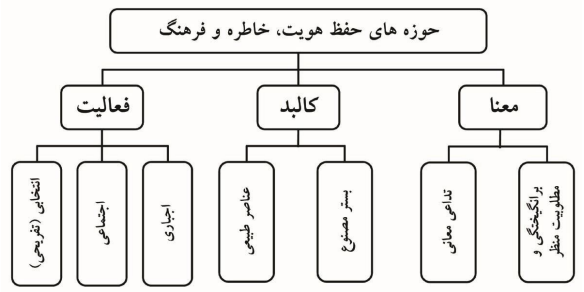

در شناخت خصوصیات کالبدی بایستی وضعیت عوامل طبیعی و بستر مصنوع مورد توجه قرار گیرد. مشخصات طبیعی از قبیل عنصر آب طبیعی، نهر، رودخانه یا دریاچه پهنه‌های سبز (باغات یا جنگل)، ارتفاعات و هرگونه عنصر مهم یا نشانه طبیعی اشاره کرد. در مطالعه خصوصیات کالبدی بستر مصنوع بایستی به بررسی نفوذپذیری، ریزدانگی، تنوع و جذابیت، تعدد و کیفیت عرصه‌ها و فضاهای عمومی، استفاده از فضای سبز و عنصر آب، المان‌های معماری به‌عنوان تصویر، نشانه‌ها، تحریک بصری و توجه به جزئیات، جداره‌های فعال خیابان و کیفیت تسهیلات و مبلمان شهری پرداخته شود.

گل (Gehl,1987)، فعالیت‌های شهری را به سه دسته عمده فعالیت‌های انتخابی (تفریحی)، اجتماعی و اجباری دسته بندی می‌کند. فعالیت‌های اجباری از قبیل کارکردهای شغلی، مراجعات اداری، عبور و مرور هدفمند و دیگر عملکردهایی که جنبه اجتماعی یا تفریحی ندارند.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

فعالیت اجتماعی مانند ملاقات دوستان، شرکت در فستیوال‌ها، جشن‌ها، نمایش‌ها و یا مناسبت‌های مهم محلی یا ملی، پیاده‌روی‌ها و یا تجمعات گروهی، اجتماعات خانوادگی، شرکت در مراسم مذهبی و انواع دیگر تعاملات اجتماعی و فعالیت های تفریحی (انتخابی) مانند ورزش یا بازی، خلوت کردن یا قدم زدن، نشستن و استراحت، استفاده از رستوران یا کافه وجود کاربری‌ها و اقتصاد شبانگاهی، فعالیت‌های فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی.

مؤلفه معنا نیز به دو دسته تداعی معانی و برانگیختگی دسته‌بندی می‌شود. برانگیختگی عمدتاً متمرکز بر اثر مؤلفه کالبدی بر احساس کاربران نسبت به فضا و محیط است و شامل نشانه‌های شهری، بناهای شاخص، طراحی و سبک و عواملی از این قبیل است و تداعی معانی وابسته به حس تاریخ و پیشرفت ارتباط خاطره‌ای و عناصر هویت ساز و یا تصویر، فعالیت‌ها و عواملی که موجب هویت بخشی به محیط می‌شود (سلطانی و نامداریان، 1390).

روش‌شناسی تحقیق

محدوده مورد مطالعه تحقیق

محور چمران با طول بیش از 7 کیلومتر در شمال غربی شهر شیراز در دهه 1380 به‌صورت بلواری با عرض 42 متر و به‌عنوان محور عبوری اصلی ایجاد شد. اهمیت چمران از آن جهت است که بافت مرکزی شهر شیراز را به توسعه‌های جدید شهر شیراز (شهرک گلستان و محدوده معالی آباد) متصل می‌کند. باغات مجاور، رودخانه خشک شیراز، ارتفاعات حاشیه‌ای، طراحی لبه‌های شمالی و وجود عرصه‌های عمومی وکاربری‌های فراغتی موجب شده تا این محور نقش فراغتی- گردشگری به خود بگیرد و به یکی از پویاترین و شناخته شده ترین محیط‌های شهری شیراز بدل می‌شود.

هم اکنون براساس طرح‌های فرادست، محور چمران به‌عنوان محدوده ویژه گردشگری چمران مطرح است و در این راستا گرایشات مدیریت شهری به سمت ساماندهی این مسیر در جهت ارتقای کیفیت و کاهش عوامل مزاحم در قالب طرح‌های موضعی و موضوعی در آینده محور چمران است. انتخاب محور چمران به‌عنوان محدوده مورد مطالعه نیز به علت اهمیت آن در حفظ و تقویت هویت شهری کنونی و آینده کلانشهر شیراز، پویایی، فعالیت پذیی وتنوع کارکردها و قابلیت و شرایط بهبود محدوده در آینده در جهت افزایش سرزندگی شهری بوده است.

روش تحقیق (داده‌ها، ابزارها و روش‌ها)

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. در این پژوهش ابتدا از طریق مطالعات کتابخانه‌ای حوزه‌ها، ابعاد و معیارهای عمومی حفظ هویت، خاطره و فرهنگ و جهت افزایش سرزندگی محیط‌های شهری استخراج شد. سپس با مطالعه مستقیم محدوده توسط نگارندگان، معیارهای عمومی مستخرج از منابع، برای بررسی از طریق پرسشنامه تنظیم شدند. در این راستا، براساس همگونگی خصوصیات کالبدی، فعالیتی و معنایی، محدوده مورد مطالعه به چهاربخش پل مطهری (زرگری) تا مرکز MRI، مرکز MRI تا هتل چمران، هتل تا بیمارستان چمران و بیمارستان تا پل معالی آباد تقسیم بندی شده و پرسش نامه با هدف بررسی میزان اهمیت و تأثیر حوزه‌ها و زیرحوزه‌های هویت، خاطره و فرهنگ بر میزان سرزندگی محور چمران از نظر کاربران محیط و شهروندان و پیشنهادهای آنان در جهت ارتقای سرزندگی محور و امکان تداوم هویت آن در اقدامات و مداخلات آینده مورد تحلیل قرار گرفتند. حجم نمونه مورد پرسش در این پژوهش 60 نفر است و سعی بر این بوده تا نمونه‌گیری (پر کردن پرسش نامه‌ها) در روز و شب در

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

بخش‌های گوناگون محور انجام گیرد تا بازتاب دهنده نظر کاربران محور چمران باشد.

یافته‌های پژوهش

اهمیت عناصر موجود در خاطره انگیزی فضا از دید کاربران

بر طبق اطلاعات به‌دست آمده از پرسش نامه‌ها، اکثریت کاربران محور چمران (66 درصد) در بازه سنی 20 تا 30 سال قرار دارند. وضعیت سنی کاربران مورد پرسش از محور چمران (محدوده مطالعه) در نمودار شماره (3) نمایش داده شده است. تصویر شماره (1) مطلوبیت و اهمیت بخش‌های مختلف محور چمران از نظر کاربران را نمایش می‌دهد. با توجه به نمودار شماره (4) مشخص می‌شود که 46 درصد از پرسش شوندگان در هفته حداقل یکبار به این مسیر مراجعه می‌کنند و همین آمار نشان دهنده اهمیت بالای این محدوده در شهر شیراز است.

ن 3. هرم سنی پرسش شوندگان به تفکیک جنسیت.

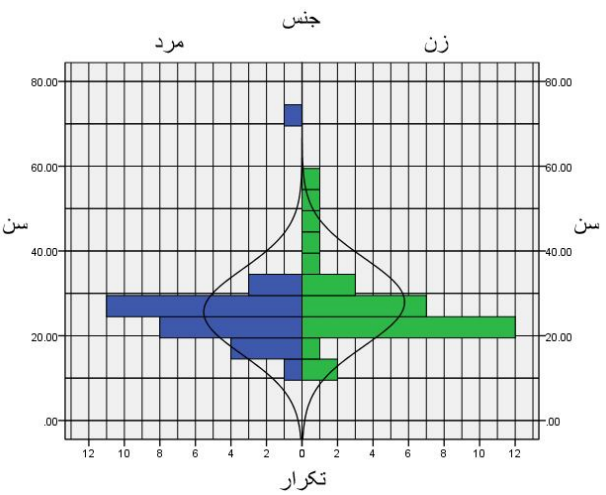

ت 1. موقعیت محدوده مطالعه در کلانشهر شیراز و اهمیت بخش های مختلف آن از نظر کاربران فضا.

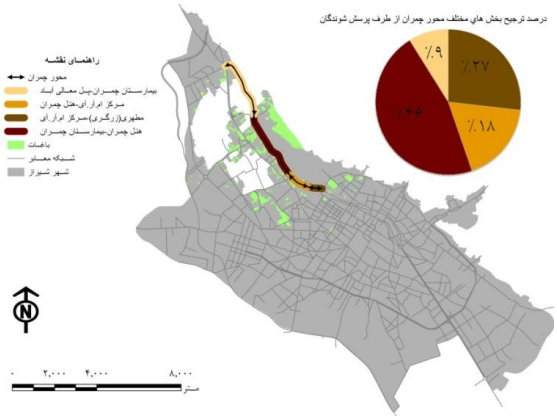

ن4. میزان مراجعه کاربران به محور چمران.

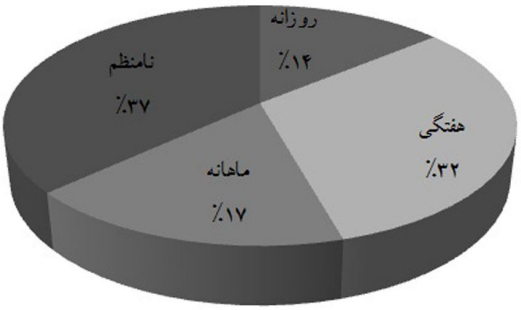

حوزه‌ها، زیر حوزه‌ها و شاخص‌های حفظ هویت، خاطره و فرهنگ در سرزندگی محور چمران که با مشاهده مستقیم توسط نگارندگان استخراج و اهمیت آن‌ها از نظر پرسش شوندگان از طریق تحلیل پرسش‌نامه‌ها به‌دست آمده است.

با توجه به نتایج ارائه شده در جدول شماره 1 مشاهده می‌شود که از نظر کاربران فعالیت‌های انتخابی(تفریحی) (27/53 درصد) مهم‌ترین عامل سرزندگی و عنصر اصلی هویت بخش و خاطره ساز محور چمران بوده و پس از

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

آن زیر حوزه‌های بستر مصنوع، عوامل تداعی کننده معانی، برانگیختگی کیفیت بستر طبیعی، فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های اجباری در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. به این ترتیب حوزه فعالیت‌های موجود در محور چمران به‌عنوان مهم‌ترین حوزه هویت بخش و مولد سرزندگی از نظر کاربران شناسایی شده‌اند و حوزه‌های معنا و کالبد در درجه بعدی قرار گرفته‌اند. (جدول1).

ج 1. حوزه‌ها و معیارهای شکل‌گیری و حفظ هویت و خاطره و اولویت آن‌ها از نظر کاربران در محور چمران.

حوزه‌های حفظ خاطره و فرهنگ	زیر حوزه‌ها	شاخص‌ها	درصد
فعالیت	انتخابی	ورزش-بازی کودکان-خلوت کردن-قدم زدن- نشستن-قلیان کشیدن- خوردن آش در شب‌های زمستان- تفریحات شب‌های تابستان- ماشین گردی- شست و شوی ماشین- تماشای مردم-مکان سوم (رستوران، کافه و ...)	۲۷،۵۳
	اجتماعی	ملاقات دوستان-جشن‌های ملی-شهری(چهارشنبه سوری، فعالیت‌های انتخاباتی، جشن‌های ورزشی و...)-پیاده‌روی‌های گروهی-ورزش‌های گروهی و خانوادگی	۱۰،۷۳
	اجباری	فعالیت کاری-عبور و مرور هدفمند-عبور و انتظار مراجعین بیمارستان	۱،۲۱
کالبد	بستر طبیعی	باغات- نهر اعظم- رودخانه خشک-ارتفاعات شمال محور	۱۱،۷۴
	بستر مصنوع	خیابان-بناهای ریزدانه-هتل چمران- بیمارستان- جداره‌ها- فواره و آب- نماها(عنصر آب)-المان‌های معماری-مبلمان شهری	۱۷،۸۱
معنا	تداعی معانی	یادآوری هویت سبز شیراز- فرهنگ دوستی شیراز-فروش آش- فروش گل در کنار خیابان- بوی بهارنارنج-ایمنی و امنیت-پویایی اجتماعی-خاطرات شخصی(نوستالژی)	۱۷
	برانگیختگی	نشانه‌های شهری- بناهای شاخص- لبه‌ها مانند لبه رودخانه خشک- کناره آب‌نماها- چشم‌انداز به باغات- کوچه باغ‌های چمران	۱۳،۹۷

از نظر سرزندگی و امکان خلق خاطره و هویت، محدوده هتل چمران تا بیمارستان چمران از نظر کاربران مطلوب ترین بخش با بیشترین مراجعه معرفی شده است.

ن5. نمودار دایره ای و تحلیل اسپایدر اهمیت حوزه‌ها و معیارهای شکل‌گیری و حفظ هویت و خاطره و اولویت آن‌ها از نظر کاربران در محور چمران.

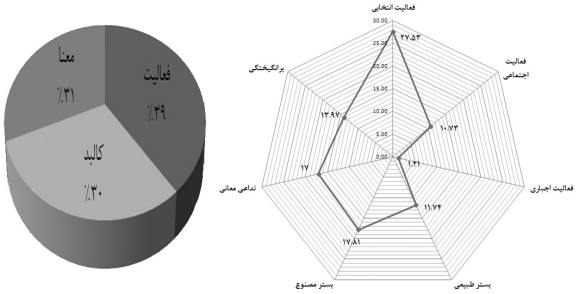

ت 2. نمودار گرافیکی درصد اهمیت راهکارها و پیشنهادهای بهبود محور چمران.

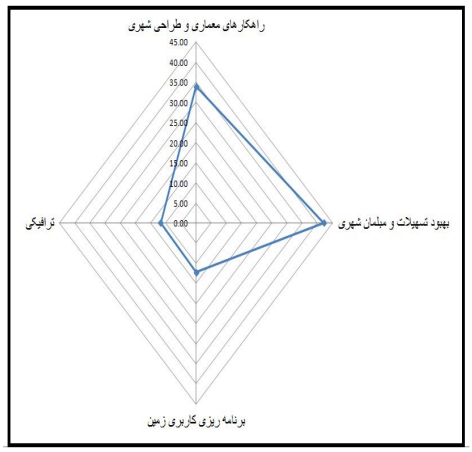

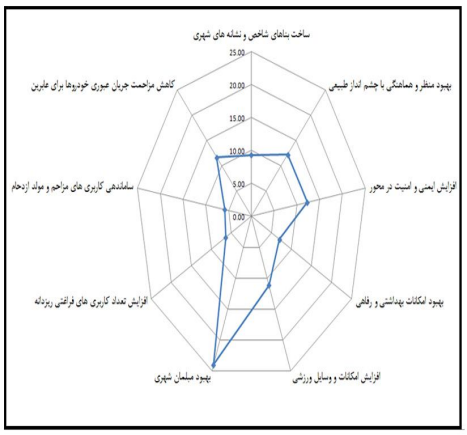

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

پیشنهادهای کاربران در جهت تقویت فضا

در جهت تبیین راهکارهای کالبدی ارتقای سرزندگی محور چمران و کیفیت فضاها از طریق اقدامات آینده، چهار دسته راهکار طراحی شهری و معماری، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری، برنامه‌ریزی زمین و اقدامات ترافیکی تعریف شدند که پیشنهادهای کاربران که برخی نیز در قالب پاسخ سؤالات باز مطرح شده بود در قالب تصویر شماره 2 و جدول شماره 2 آمده است.

است، اما همانطور که ذکر شد می‌تواند موجب آسیب به میراث خاطره شهر شود که حاصل تجمع لایه‌های متعدد ناشی از زندگی هر روزه نسل‌های متمادی در فضاها و محیط‌های شهری است.

بنا به مطالعات انجام پذیرفته، سه حوزه خصوصیات کالبدی، فعالیت، معنای شکل گرفته از حیات هر روزه اذهان شهروندان، زمینه‌های شکل‌گیری هویت و خاطره وایجاد سرزندگی در محیط‌های شهری است.

ج 2. اهمیت نسبی راهکارها و پیشنهادهای بهبود محور چمران از دید کاربران.

درصد	پیشنهاد	درصد	نوع راهکار
۹.۳۶	ساخت بناهای شاخص و نشانه های شهری	۳۳.۹۲	راهکارهای معماری و طراحی شهری
۱۲.۲۸	بهبود منظر و هماهنگی با چشم انداز طبیعی		
۱۲.۲۸	افزایش ایمنی و امنیت در محور		
۷.۰۲	بهبود امکانات بهداشتی و رفاهی	٤۲.۱۱	بهبود تسهیلات و مبلمان شهری
۱۱.۱۱	افزایش امکانات و وسایل ورزشی		
۲۳.۹۸	بهبود مبلمان شهری		
٦.٤۳	افزایش تعداد کاربری های فراغتی ریزدانه	۱۲.۲۸	برنامه ریزی کاربری زمین
۵.۸۵	ساماندهی کاربری های مزاحم و مولد ازدحام		
۱۱.۷۰	کاهش مزاحمت جریان عبوری خودروها برای عابرین و تاکید بر پیاده مداری	۱۱.۷۰	ترافیکی

نتیجه

هرچند تاکنون نقدهای بسیاری به رویکرد مدرنیسم در یکسان انگاری مسئله سکونتگاه‌های انسانی شده و در حوزه مطالعات شهری پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه ارتباط زندگی شهری با مسئله خاطره، هویت و ریشه‌های زمانی- مکانی سکونت صورت گرفته است، اما در بسیاری طرح‌ها و برنامه‌های شهری برنامه‌ریزان و طراحان توجهی به مسئله خاطره شهری و حافظه جمعی ندارند. شاید بتوان تفاوت مداخلات شهری با رویکرد بی‌توجه به عامل خاطره و رویکرد مشارکتی هویت و خاطره- مبنا را به اختلاف رویکرد روانپزشکان و روانکاوان در برخورد با مشکلات ذهن و روان آدمی تشبیه کرد. با این که مداخله عام و بدون نگاه به دیالوگ شهر و خاطره با سرعت بیشتر و همراه با پیچیدگی کمتر

هرگونه اقدامی در زمینه ارتقای کیفیت فضاها و افزایش سرزندگی باید در جهت تعادل بخشی بین این سه حوزه و شاخص‌سازی محدوده مورد نظر صورت گیرد. در رابطه با ایجاد شناخت موردنظر مطالعه ریخت شناسی عناصر کالبدی، نماها و خط آسمان، کیفیت فضاهای شهری، لبه‌های خیابان‌ها، نشانه‌های شهری، یادمان‌ها، مجسمه‌ها و گرافیتی‌ها، منظر طبیعی و طرز آمیزش آن با محیط مصنوع، تقویت فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی و ایجاد مکان‌های سوم چون کافه‌ها و رستوران‌ها، گالری‌ها، فرهنگ سراها، تأکید بر کارکردهای روزانه و شبانه، ایمنی و امنیت، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری و تأکید بر هویت، خاطره و معنای محیط‌های شهری بایستی مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

استفاده از نظر کاربران فضا و مشارکت مردمی در مطالعه کیفیت محیط‌های شهری، موجب می‌شود تا ارزش‌های هویتی و میراث خاطره شهروندان که ممکن است از دید مدیران شهری و برنامه‌ریزان توسعه پوشیده باشد، آشکار شود. این رویکرد مشارکتی با تأکید بر هویت محیط و حیات شهری در افزایش سرزندگی، روندی زمانبر و نیازمند توجه و مطالعات گسترده و مشارکت جویی وسیع از کاربران فضاها و بافت‌های شهری است که بر سیاست‌ها و اقدامات چند وجهی و جامع نگر با افزایش تعاملات اجتماعی و معنابخش به محیط از طریق خود شهروندان تأکید دارد و با استفاده از تفاوت خوانش‌ها و تکثر سلایق موجب افزایش پایداری اجتماعی ومحلی می‌شود، آنگونه پایداری که حاصل فعال شدن پتانسیل‌ها، حفظ ایجاد بسترهای خلق خاطره و تجربیات شهری است.

نتایج پژوهش حاضر در محدوده مطالعه، نشان می‌دهد که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی است و همین امر اهمیت برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی را نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری شود.

منابع

- اورکاد، برنار. (1375)، شهرسازی و بحران شهری در عهد محمدرضا پهلوی، در تهران پایتخت دویست ساله: زیر نظر شهریار عدل و برنار اورکاد، انجمن ایران شناسی فرانسه، صص 231-249.

- حبیب، فرح، نادری، مجید و فروزانگهر، حمیده. (1387)، پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت، نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره 3، صص 23-13.

- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، نوید. (1389)، عوامل مؤثر بر سرزندگی فضاهای شهری: خلق یک فضای شهری سرزنده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره 6، صص. 74-63.

- گلکار، کورش. (1386)، مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، نشریه صفه، سال شانزدهم، شماره 44، صص. 75-66.

- سلطانی، علی و نامداریان، احمدعلی. (1389)، بررسی تأثیر نیروهای مختلف در شکل‌گیری فضای شهری، نشریه هویت شهر، شماره 7، صص 130-123.

- سلطانی، علی و نامداریان، احمدعلی. (1390)، تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین. پارادایم ارتباط، نشریه باغ نظر، شماره 18، صص 12-3.

- لطفی، سهند. (1390)، بازآفرینی شهری فرهنگ مبنا: تأملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازآفرینی، نشریه هنرهای زیبا، شماره 45، صص. 60-47.

- میرمقتدایی، مهتا. (1388)، معیارهای سنجش امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر- مطالعه موردی شهر تهران، نشریه هنرهای زیبا، شماره 37، صص 16-5.

- Assmann, A. and Conrad, S. (2010). *Memory in a global age: Discourses*, Practices and Trajectories, Basingstoke: Palgrave Macmillan.

- Balsas, C.J.T. (2004). *Measuring the Livability of an Urban Centre: An exploratory study of key performance Indicators*. Planning, Practice and Research (JPPR), Vol.19, No.1, pp.101-110.

- Benjamin, W. (1999). *The Arcades Project, trans*. Eiland, H. and McLaughlin, K., Cambridge, MA: Belknap Press.

- Busa, A. (2010). *City of Memory, in: Encyclopedia of urban studies*, Ray Huchison (ed.) , SAGE Publications, pp. 160-158.

- Canter, D.V. (1977). *The Psychology of Place*, London: The Architecture Press.

- Crinson, M. (2005). *Urban Memory: History and Amnesia in the Modern City*, New York: Rutledge.

- Derrida, J. (1994). *Specters of Marx: The State of the Dept*, The work of Mourning and The New International, Peggy Kamuf (trans.), London and New York: Rutledge.

- Freud, S. (1989[1930]). *Civilization and Its Discontent*, trans. Gay, P., New York: Norton.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]

- Gehl, J. (1987). *Life between Buildings*, Van Nostrad Reinhold Press, pp. 1-10.
- Groat, L.N. (2000). *Civic Meaning: The role of place*, typology and design values in urbanism, Carolina Planning, Vol.25, No.1, pp.13-25.
- Hurley, A. (2010). *Beyond Preservation: Using Public History to Revitalize Inner-Cities*, Philadelphia: Temple University Press.
- Huyssen, A. (1997). *The Voids of Berlin*, Cultural Inquiry, Vol.24, No.1, pp. 58-81.
- Huyssen, A. (2003). *Present Pasts: Urban palimpsest and the politics of memory*, Palo Alto, CA: Stanford University Press.
- INHERIT (2007). *Investing in Heritage: A guide to successful Urban Regeneration*, INHERIT Partner Organization, European Association of Historic Towns and Regions(EAHTR).
- Ladd, B. (1997). *The Ghosts of Berlin: Confronting German History in the Urban Landscape*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*, Oxford, UK: Blackwell.
- Lynch, K. (1998), *Good City Form, Cambridge, Massachusetts and London*: The MIT Press.
- Montgomery, J. (1998). *Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design*, Journal of Urban Design(JUD), Vol.3, No.1, pp.93-116
- Montgomery, J. (2003). *Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration*. Part 1: Conceptualizing cultural quarters, Planning, Practice & Research, Vol.18, No.4, pp. 293-306.
- Mumford, L. (1981). *The Culture of Cities*, Westport, CT: Greenwood Press.
- O'Donnell, M.O. (2008), *Urban Cultural Landscapes and The Spirit of Place*, ICOMOS, Quebec: 77-hFCw-13.doc.
- Rossi, A. (1984). *The Architecture of the City*, Cambridge: MIT Press.
- Sime, J.D. (1995). *Creating Places or Design Spaces*. In: L.N. Groat (Ed.): Giving Places Meaning, London: Academic Press, pp. 27-41.
- Sternberg, E. (2000). *An Integrative Theory of Urban Design*, Journal of American Planning Association (JAPA), Vol.66, No.3, pp.265-278.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-27]